

مهران امیر معینی، عضو هیات علمی  
مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی

حداکثر سازی درآمدهای نفتی:

## ایجاد یا عدم ایجاد ظرفیت مازاد در صنایع بالادستی نفت

جای نفت هستند. رشد اقتصاد جهان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چشم‌گیر بود و نفت نیز در سبد انرژی جهانی نقش عمده‌ای داشت. از این رو افزایش تولید نفت در جهان به منظور پاسخگویی به تقاضای فزاینده آن صورت گرفت. همچنین حوزه‌های جدی نفتی کشف و سپس توسعه یافتند. به علاوه حفظ ظرفیت تولید نیز نیازمند انجام هزینه‌هایی در این زمینه است. در حقیقت دولت‌ها برای آن میزان از ظرفیت که مازاد است باید هزینه اضافی انجام دهند، بنابراین می‌توان گفت که مجموع این هزینه‌های و درآمدهای از دست رفته، هزینه فرصت برخورداری از ظرفیت مازاد است.

دیگر، وجود ظرفیت مازاد در بازار امکان تخلف از سهمیه‌های تولیدی توسط اعضا را افزایش می‌دهد که بازار به این پدیده عکس‌العمل نشان می‌دهد و نتیجه آن کاهش قیمت در بازار خواهد که خود به مفهوم از دست دادن درآمد بیشتر است. طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۲ هزینه فرصت مازاد ظرفیت عربستان سعودی حدود ۱۵۷ میلیارد دلار برآورد شده است. لذا هرگونه ظرفیت‌سازی باید بر اساس پیش‌بینی دقیق از تقاضا برای نفت خام اویک صورت پذیرد.

مهم‌ترین عامل مؤثر در تقاضای جهانی نفت سطح فعالیت‌های اقتصادی، رشد جمعیت و سیاست‌های جایگزینی سایر حامل‌های انرژی به

تقاضای نفت خام و میزان رشد آتی آن عامل اصلی برای افزایش ظرفیت تولید نفت است. لذا تولیدکنندگان برای تامین نیازهای آتی تقاضا بر اساس برآورد و پیش‌بینی که انجام می‌دهند برای سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی تصمیم می‌گیرند. زمانی که شرکت‌های نفتی در بازار نقش مسلط داشتند، وظیفه تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و ایجاد ظرفیت برای پوشش تقاضای جهانی نفت را نیز عهده‌دار بودند و به نظر می‌رسد علیرغم رقابتی که در بازار داشتند، هیچ‌گاه صنعت نفت با مازاد ظرفیت مواجه نشد. از ظرفی شوک‌های اول و دوم نفتی سبب شد تا رشد تقاضا و حتی در برخی مقاطع بویژه نیمه اول دهه ۱۹۸۰ با کاهش مواجه شود. این پدیده همگام با افزایش تولید غیر اویک سبب شد تا اویک برای حفظ قیمت‌ها مجبور به کاهش تولید و از دست دادن سهم خود در بازار شد و در نتیجه سبب ایجاد ظرفیت مازاد تولید در اویک شود. در میان کشورهای عضو اویک، عربستان سعودی نه تنها بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت بوده بلکه بیشترین مازاد ظرفیت تولید را نیز در اختیار داشته است. ظرفیت مازاد تولید به منزله بلا استفاده ماندن سرمایه است. در نتیجه، این سرمایه حبس شده قادر به ایجاد درآمد و سود نخواهد بود و کشور را از کسب درآمد اضافی محروم می‌کند. از سوی

### جدول (۱) رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و تقاضای نفت

(ارقام: درصد)

تقاضای نفت	GDP	
۶/۳	۳/۹	۱۹۶۰-۱۹۶۰
۷/۴	۴/۶	۱۹۶۰-۱۹۷۰
۲/۳	۲/۸	۱۹۷۰-۱۹۸۰
۰/۷	۳/۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰
۷/۱	۱/۹	۱۹۹۰-۲۰۰۲

در میان کشورهای عضو اوپک، عربستان سعودی نه تنها بزرگترین تولیدکننده نفت بوده بلکه بیشترین حجم ظرفیت مازاد تولید را نیز در اختیار داشته است. در این مقاله هدف برآورد هزینه فرصت مازاد عربستان سعودی طی دوره ۱۹۸۲-۲۰۰۲ است. ارزیابی و نتایج حاصل از این برآورد می‌تواند راهکار مناسبی را برای توسعه مطلوب تولید نفت ایران ارائه دهد که نهایتاً منجر به حداکثر شدن منافع کشور خواهد شد.

### ۱- ظرفیت تولید اوپک و غیر اوپک

تقاضای نفت خام و میزان رشد آن در آینده، عامل اصلی برای ایجاد ظرفیت تولید نفت است. به همین منظور، تولیدکنندگان براساس برآوردهای خود اقدام به سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی با هدف تامین نیازهای آتی تقاضا می‌کنند. در گذشته رابطه تنگاتنگی میان رشد اقتصادی و تقاضای نفت وجود داشت. در حقیقت به دلیل افزایش سطح فعالیت‌های اقتصادی، میزان استفاده از کالاهای سرمایه‌ای انرژی بر (خودرو، هواپیما، کشتی و سایر تجهیزات انرژی بر) افزایش می‌یابد که منجر به افزایش تقاضای سوخت خواهد شد. در گذشته درجه همبستگی بالایی میان رشد اقتصادی و رشد مصرف نفت وجود داشت، ولی به مرور زمان و به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژیکی و اجرایی اقدامات صرفه جویانه در زمینه مصرف انرژی که از سوی کشورهای توسعه یافته صنعتی صورت گرفت، این رابطه یک به یک از میان رفت. جدول (۱) رشد تولید ناخالص و تقاضای نفت را در دوره‌های مختلف زمانی نشان می‌دهد. علی‌رغم تشکیل اوپک در سال ۱۹۶۰،

سیستم قیمت‌های اعلام شده ۱ تا سال ۱۹۷۳ ادامه پیدا کرد. اعلام اداره قیمت‌ها نیز توسط شرکت‌های نفتی طی دوره ۱۹۷۳-۱۹۵۰ صورت گرفت که نقش مسلط هفت خواهران نفتی در بازار را نشان می‌دهد. البته در اواخر دهه ۱۹۶۰ تصمیمات مربوط به قیمت‌های اعلام شده و به مذاکرات میان شرکت‌های نفتی و اوپک بود. در اکتبر ۱۹۷۳، اوپک تصمیمات مربوط به تعیین قیمت‌های اعلام شمرده را به صورت یک جانبه اتخاذ کرد و در نتیجه قدرت مسلط شرکت‌های نفتی در بازار از میان رفت.

زمانی که شرکت‌های نفتی در بازار نقش مسلط را داشتند، وظیفه تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و ایجاد ظرفیت برای پوشش تقاضای جهانی نفت را نیز عهده دار بودند و به نظر می‌رسد با وجود رقابتی که در بازار داشتند، هیچ‌گاه صنعت نفت با مازاد ظرفیت در تولید مواجه نشد و همیشه مازاد ظرفیت اوپک و غیر اوپک در سطحی قرار داشت که از ائتلاف سرمایه‌جولگری می‌کرد و نرخ بازگشت سرمایه به کار گرفته شده نیز در حد مطلوب قرار داشت.

تولید نفت جهان طی دوره ۱۹۷۳-۱۹۶۱ به سرعت رشد یافت و از ۲۲/۴ به ۵۵/۸ میلیون بشکه در روز رسید. در حقیقت، تولید جهانی نفت به طور متوسط سالانه ۷/۶ درصد رشد داشت و در این میان تولید نفت اوپک از ۹/۳ به ۳۱ میلیون بشکه روز رسید که حاکی از متوسط رشد سالانه بسیار بالای ۹/۷۹۷ درصدی است. در همین زمان رشد تولید غیر اوپک نیز ۵/۳ درصد بود، به طوری که تولید آن از ۱۳/۱ به ۲۴/۸ میلیون بشکه روز افزایش یافت.

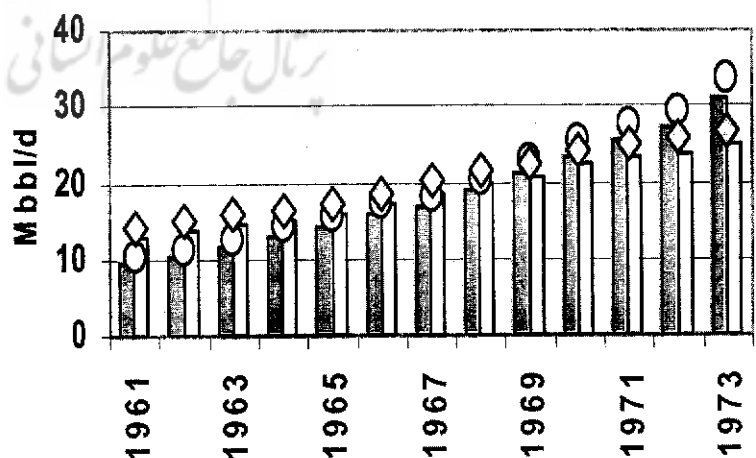
طی دوره ۷۳-۱۹۶۱، ظرفیت تولید اوپک نیز بیش از سه برابر شد و از ۱۰/۲ به ۳۳/۵ میلیون بشکه روز افزایش یافت که بیانگر متوسط نرخ رشد سالانه ۹/۹ درصدی است. مقایسه نرخ رشد ظرفیت تولید و میزان تولید اوپک در این دوره حاکی از آن است که حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولید در اوپک و غیر اوپک صورت گرفته است. یعنی بیش از ۹۲ درصد از ظرفیت تولید مورد استفاده قرار گرفته و هیچ‌گونه اتلاف منابع سرمایه‌های وجود نداشته است. نمودار (۱) روند تولید و ظرفیت تولید اوپک و غیر اوپک را طی سال‌های ۷۳-۱۹۶۱ به تصویر کشیده است.

طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۳، تولید نفت اوپک بر خلاف دوره گذشته رشد مداومی را تجربه نکرد و با نوساناتی همراه بود در حالی که رشد تولید غیر اوپک همواره تداوم داشت، به طوری که سهم اوپک در بازار نفت را متاثر ساخت. پس از شوک اول نفتی، افزایش قیمت‌ها درآمد سرشاری را نصیب اعضای اوپک کرد در نتیجه فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت بسیار سودآور شد و کشورها برای استفاده از این موقعیت سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی را از طریق انواع قراردادهای نفتی انجام دادند، به طوری که در سال ۱۹۷۷ ظرفیت تولید اوپک به سطح ۳۸۷ میلیون بشکه روز افزایش یافت که اتفاقاً در همین سال نیز تولید نفت اوپک به حداکثر مقدار خود یعنی ۳۷۳ میلیون بشکه روز رسید. در سال‌های پس از آن، ظرفیت تولید اوپک به دلیل افت طبیعی تولید در برخی از کشورها رو به کاهش گذاشت که کاهش ظرفیت تولید ایران نیز یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند نزولی ظرفیت تولید نفت بود به طوری که، در سال ۱۹۸۰ ظرفیت تولید این سازمان به ۳۲/۷ میلیون بشکه روز کاهش یافت.

روند نزولی ظرفیت تولید تا سال ۱۹۹۵ تداوم یافت ولی پس از آن سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت افزایش یافت و در نتیجه شاهد رشد آن بودیم. ولی در هر حال هیچ‌گاه به حداکثر مقدار خود در سال ۱۹۷۷ نرسید. به طوری که ظرفیت تولید نفت اوپک در سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ به ترتیب در سطح ۳۰، ۲۷/۵ و ۳۲/۶ میلیون بشکه روز قرار گرفت.

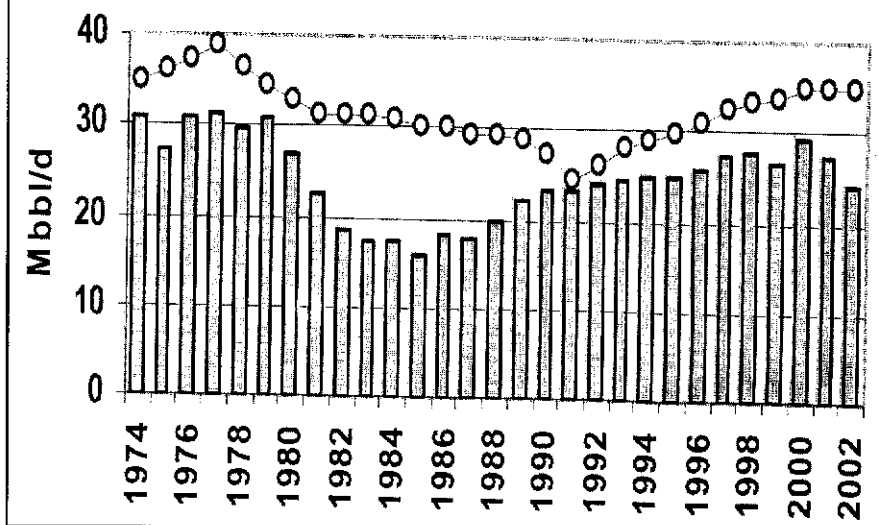
همان‌طور که اشاره شد، تولید نفت اوپک نیز همگام با رشد ظرفیت تولید افزایش یافت و تا سال ۱۹۷۷ به حداکثر خود رسید، ولی پس از آن به دلیل محدود شدن تقاضا و تداوم رشد تولید نفت غیر اوپک نیاز جهانی به نفت اوپک کاهش یافت. لذا سهم بازار این سازمان نیز با کاهش همراه بود و در نتیجه تولید نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ به سطح بسیار پایین ۱۶/۲ میلیون بشکه روز تنزل کرد، به طوری که در این سال تنها از ۵۴

نمودار ۱: تولید و ظرفیت تولید نفت اوپک و غیر اوپک



ظرفیت تولید غیر اوپک ◊ ظرفیت تولید اوپک ○ تولید غیر اوپک □ تولید اوپک ■

## نمودار ۲: تولید و ظرفیت تولید نفت اوپک



بشکه است. هزینه سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع جدید در عربستان نیز بسیار پایین است و توسعه اخیر میدان شعیبه که یکی از نقاط دور افتاده عربستان سعودی است مؤید آن است که هزینه افزایش ظرفیت که شامل زیر ساخت‌ها، تسهیلات تولید و انتقال است برای تولید یک بشکه نفت اضافی حداکثر ۵ هزار دلار است. بنابراین هزینه تولید فعلی و هزینه‌های توسعه ظرفیت تولید نفت این کشور در آینده کمترین مقدار در سطح جهانی خواهد بود.

سهم نفت در تولید ناخالص عربستان که در دهه گذشته حدود ۷۰ درصد بود به حدود ۳۵ درصد بود کاهش یافته ولی هنوز هم درآمد دولت به درآمد صادرات نفت خام وابستگی شدیدی دارد به طوری که، در سال‌های اخیر سهم در درآمد نفتی دولت حدود ۷۵ درصد بوده است. همچنین سهم نفت نسبت به کل ارزش صادرات عربستان حدود ۸۰ درصد است که تا حدودی حکایت از کاهش سهم نفت در آن می‌کند.

عربستان سعودی نگران وابستگی شدید و انحصاری خود به منابع طبیعی است و چالش پیش روی این کشور نیز در ارتباط با توسعه سایر بخش‌های اقتصادی و کاهش سهم نفت در فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود، هر چند وجود نفت تاکنون به عنوان رکن اساسی استحکام اقتصادی عربستان مطرح بوده است. ولی هدف عربستان آن است که نباید منحصر بر صادرات نفت تاکید کند، استفاده از منابع فراوان انرژی توسعه شرکت‌های داخلی را امکانپذیر ساخته و از طریق جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی تنوع اقتصادی را ایجاد می‌کند. بنابراین به طور اجمال می‌توان گفت که سیاست نفتی عربستان بر پنج واقعیت استوار است:

۱- دارا بودن حجم زیادی از ذخایر نفت و

قرار میداد. در حقیقت زمانی که بازار در شرایط عادی متعارف قرار دارد و عوامل بنیادین (عرضه و تقاضا) قیمت را تعیین می‌کنند، میزان اضافه تولید اوپک می‌تواند تاثیر منفی بر قیمت‌ها داشته باشد. نمودار (۳) روند تولید و سهمیه تولید نفت اوپک طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۸۲ را نشان می‌دهد.

### ۲- بازار نفت و عربستان سعودی

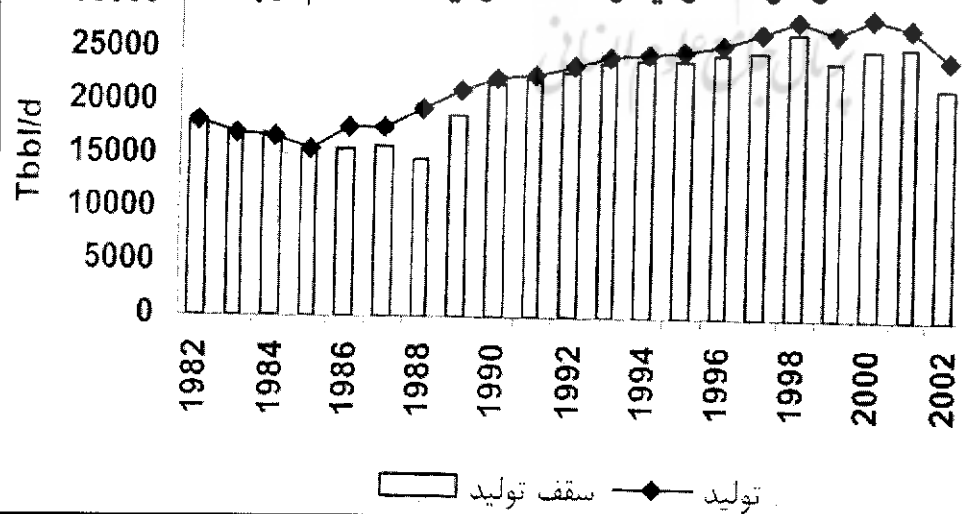
#### ۱-۲ نقش نفت در اقتصاد عربستان

ذخایر نفت قابل استحصال عربستان سعودی در حال حاضر در سطح ۲۶۳ میلیارد بشکه قرار دارد که در حقیقت حدود ۲۵ درصد از ذخایر جهانی نفت را شامل می‌شود. در کنار بر خورداری از امتیاز ذخایر عظیم نفتی، هزینه تولید نفت نیز با ۷۵ دلار/بشکه یکی از کمترین

درصد ظرفیت تولید خود استفاده کرد یعنی اضافه ظرفیت تولید اوپک حدود ۱۳/۸ میلیون بشکه/روز بود، در حالی که در سال ۱۹۶۱ این اضافه ظرفیت تنها حدود ۷۹۰ هزار بشکه/روز بود. تولید نفت سازمان در دهه ۱۹۹۰ نیز با نوساناتی همراه بود ولی در محدوده ۲۸-۲۲ میلیون بشکه/روز قرار داشت، لذا ظرفیت مازاد تولیداندکی کاهش یافت و به طور متوسط به حدود ۱۰ درصد ظرفیت تولید رسید که در حقیقت بیانگر استفاده بهینه از سرمایه‌های فیزیکی است. تولید نفت اوپک در سال ۲۰۰۰ به ۲۸/۳ میلیون بشکه/روز رسید هر چند در این سال اوپک برای اینکه اثرات روانی بازار را خنثی کرده و از رشد بیشتر قیمت‌ها جلوگیری کند مجبور بود با افزایش سطح تولید خود بازار را آرام نماید ولی پس از آن با رشد تولید غیر اوپک و ثابت ماندن تقاضا میزان عرضه اوپک کاهش یافت و در سال ۲۰۰۲ به سطح ۲۵/۴ میلیون بشکه/روز رسید. نمودار (۲)، میزان تولید نفت و ظرفیت تولید اوپک را پس از سال ۱۹۷۳ نشان می‌دهد.

به طور کلی می‌توان گفت؛ ظرفیت مازادی که از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفت یکی از عوامل عمده فشار بر قیمت‌ها بود. در حقیقت، این عامل از یک سواطمینان خاطری را به بازار میداد که قطع عرضه در برخی از مناطق جهان قابل جبران خواهد بود و لذا عرضه تامین می‌شود و از سوی دیگر امکان تولید نفت بیشتر از سهمیه‌های تعیین شده را فراهم می‌آورد، لذا این عامل نه تنها از نظر روانی بلکه از نظر فیزیکی نیز قیمت‌ها را تحت فشار

## نمودار ۳: تولید و سقف تولید نفت خام اوپک



ارقام هزینه تولید در جهان است در حالی که، متوسط هزینه تولید نفت در جهان حدود ۵ دلار/

توانایی تولید نفت با هزینه پایین  
۲- داشتن ظرفیت مازاد تولید



در نتیجه قیمت‌ها به سرعت روند نزولی یافت و در برخی مقاطع به کمتر از ۸ دلار/ بشکه تنزل کرد و عربستان سعودی مسبب اصلی این سقوط شناخته شد. پس از آن هر چند عربستان سعودی به دنبال سهم بازار بود ولی نمی‌توانست بدون توجه به قیمت‌ها اقدام کند.

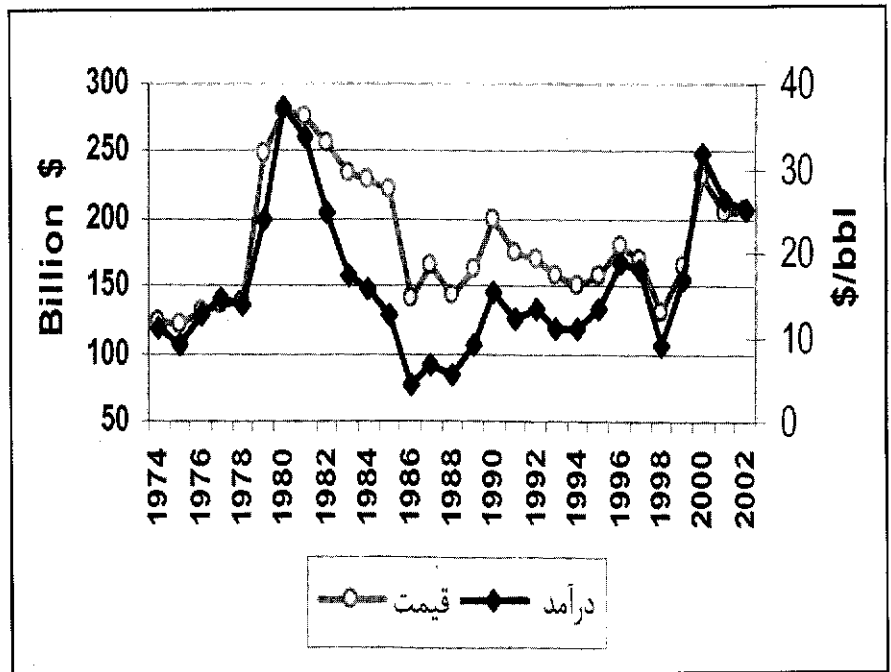
در حقیقت آنچه که نیازهای عربستان را تامین می‌کرد، نه سهم بازار و نه قیمت‌ها بود، بلکه درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت اهمیت بسیاری داشت. با توجه به پایین بودن کسب قیمتی تقاضای نفت، درآمدهای نفتی عمدتاً تحت تاثیر قیمت‌ها قرار دارد و تنزل قیمت‌ها سطح درآمد نفتی را به شدت کاهش می‌دهد. نمودار (۴) درآمد نفتی اوپک را همراه با نوسانات قیمت نفت نشان می‌دهد.

وقوع جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰، سبب شد تا عراق و کویت از بازار نفت خارج شوند و عربستان سعودی از این موقعیت نهایت استفاده را کرد. تولید نفت عربستان در سال ۱۹۹۱ در مقایسه با سال ۱۹۹۰ حدود ۱/۷ میلیون بشکه/روز افزایش یافت که دلیل آن نیز وجود مازاد ظرفیت عظیمی بود که در دهه ۱۹۸۰ برای این کشور ایجاد شده بود. البته ذکر این نکته ضروری است که اگر عربستان سعودی و یا اوپک تولید خود را افزایش نمی‌دادند قیمت‌ها به سرعت افزایش می‌یافت و درآمدهای نفتی رشد چشم‌گیری داشت، ولی جهان صنعتی برای حمایت از عربستان سعودی، کویت و... وارد جنگ با عراق شد. بنابراین، حداقل کشورهای عربی خلیج فارس مجبور به حمایت از این جنگ بودند، لذا ضمن این که بیشتر هزینه‌های جنگ را تقبل کردند باید شرایط ثبات بازار نفت را نیز فراهم می‌آوردند.

در سال ۱۹۹۸ یکبار دیگر قیمت‌ها سقوط کرد، ولی عربستان به تنهایی بار کاهش قیمت را به دوش نکشید و آن را از طریق اعمال سهمیه به تمامی اعضا منتقل کرد و در نتیجه بازار با همکاری تمامی اعضا و حتی تولیدکنندگان غیر اوپک به ثبات نسبی رسید. البته بالا بودن سهم عربستان در تولید نفت سبب شد تا در هنگام کاهش تولید نیز حجم بیشتری نصیب این کشور شود.

پی نوشت:

- ۱- Posted Price
- ۲- Rate on Capital Employment
- ۳- مجموع ظرفیت تولید نفت خام، مایعات و میعانات گازی
- ۴- Swing Producer



حداکثر منافع اعضا باید از قیمت‌ها حمایت میکرد. زمانی که در دهه ۱۹۸۰ بازار شاهد کاهش قیمت‌ها بود به ناچار اوپک باید برای تنظیم قیمت‌ها تولید خود را محدود کند. واقعیت این بود که تقریباً تمامی اعضای اوپک در حد ظرفیت تولید خود اقدام به تولید نفت می‌کردند ولی ضعف تقاضای جهانی نفت از یک سو و افزایش تولید غیر اوپک از سوی دیگر نیاز به نفت اوپک را کاهش داد. در سال‌های اولیه دهه ۱۹۸۰، به دلیل نقش کلیدی که عربستان سعودی در بازار داشت به عنوان تولیدکننده شناور ۴ در بازار عمل میکرد، لذا تولید خود را کاهش داد تا عرضه و تقاضا را در بازار تراز نماید.

تداوم ضعف تقاضا در بازار سبب شد تا در سال ۱۹۸۲، اوپک با درک این واقعیت اقدام به سهمیه‌بندی تولید برای هر یک از اعضا کند و در نتیجه سیستم سهمیه‌بندی تولید برای حمایت از قیمت‌ها و ثبات بازار نفت شکل گرفت. در سیستم سهمیه‌بندی نیز نقش عربستان بیشتر از سایر اعضا بود به طوری که طی دوره ۸۵-۱۹۸۲ که تولید اوپک ۲/۶ میلیون بشکه/روز کاهش یافت، تولید نفت عربستان سعودی ۳/۱ میلیون بشکه/روز کاهش یافت و تلاش زیادی برای جلوگیری از کاهش قیمت‌ها صورت گرفت و می‌توان گفت که اوپک در این زمینه موفق عمل کرد. ولی عربستان سعودی که سهم بازار خود را به شدت از دست داده بود در سال ۱۹۸۶ سیاست سهم بازار را مطرح کرد و به دنبال آن تولید خود را بیش از ۱/۵ میلیون بشکه/روز افزایش داد و از طرفی برای گرفتن سهم بازار، قیمت‌گذاری بر اساس قیمت فرآورده ۵ (نت بک) را مطرح کرد و

- ۳- وابستگی شدید اقتصاد به صنعت نفت
- ۴- سیستم با ثبات اقتصادی
- ۵- تثبیت بازار نفت

## ۲- نقش عربستان در بازار نفت

در دهه ۱۹۶۰ و تا اواسط دهه ۱۹۸۰ دو قطب اصلی تولید نفت اوپک ایران و عربستان بودند به طوری که از بدو تاسیس اوپک تا سال ۱۹۷۸ (قبل از انقلاب ایران)، این دو کشور بیش از ۶۰ درصد از تولید نفت اوپک را در اختیار داشتند. سهم این دو کشور در سال ۱۹۷۴ که اوج تولید نفت ایران بود به ۶۷ درصد نیز رسید ولی پس از آن به دلیل کاهش تولید ایران، شاهد کاهش سهم این دو کشور بودیم هر چند روند صعودی تولید نفت عربستان تداوم یافت و در سال ۱۹۸۰ به حداکثر خود یعنی ۹۹ میلیون بشکه/روز رسید. در این سال عربستان به تنهایی بیش از ۳۷ درصد تولید نفت اوپک را در اختیار داشت.

سرمایه‌گذاری‌های عظیم ایران و عربستان در صنایع بالادستی نفت که از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود سبب شد تا ظرفیت تولید و بالطبع تولید به سرعت افزایش یابد. تولید نفت ایران و عربستان که در سال ۱۹۶۸ به ترتیب ۲/۸۴ و ۳/۰۴ میلیون بشکه/روز بود، در سال ۱۹۷۴ به ۶/۰۲ و ۸/۴۸ میلیون بشکه/روز افزایش یافت که حداکثر تولید نفت ایران نیز در این سال حادث شد و پس از آن روند نزولی را آغاز کرد ولی تولید نفت عربستان در سال ۱۹۸۰ به حداکثر خود رسید و پس از آن به دلایل شرایط خاص حاکم بر بازار نفت رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۳/۳۹ میلیون بشکه/روز تنزل کرد.

زمانی که اوپک در دهه ۱۹۷۰ کنترل قیمت‌ها را به دست گرفت و به عنوان تعیین کننده قیمت در بازار شناسایی می‌شد، در حقیقت برای تامین